وحدت اخلاق و سیاست در اندیشه امام خمینی

نوشته‌ای از مرحوم آیت‌الله ابراهیم امینی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

مجموعه صفات نفسانی که در باطن ذات انسان رسوخ دارند و کردارهای نیک یا بد از آن‌ها صادر می‌شوند، اخلاق نامیده می‌شوند. اخلاق به دو قسم تقسیم شده است؛ اخلاق نیک و ارزشمند و اخلاق بد و زشت. مقصود از سیاست در این جا در اریکه قدرت نشستن و حکمرانی و تدبیر امور کشور است. بحث در این جاست که اخلاق با سیاست چه نسبتی دارد؟ آیا یک چیز هستند یا دو؟ آیا قابل جمعند یا نه؟ در این جا چهار نظر مهم وجود دارد که به طور کوتاه به آن‌ها اشاره می‌شود.

نظر اول - جدایی اخلاق از سیاست و قابل جمع نبودن

در توجیه این عقیده گفته می‌شود؛ در اخلاق باید از حق پیروی کرد و در سیاست باید مصالح و منافع کشور و شهروندان رعایت شود. اخلاق از انسان می‌خواهد دروغ نگوید، ظلم نکند، فریب ندهد، رحیم و مهربان باشد، اما لازمه سیاست، دروغ، فریب، نیرنگ، خشونت، بیدادگری و قدرت طلبی است و این دو قابل جمع نیستند. سیاستمدار برای حفظ مقام خود به هیچ کس رحم نمی‌کند، حتی پدر با فرزند و برادر با برادر که گفته شده: «الملک عقیم». در پس هر اقدام سیاسی غالباً انبوهی از

***امام خمینی: اسلام احکام اخلاقیش هم سیاسی است. همین حکمی که در قرآن هست که مؤمنین برادر هستند این یک حکم اخلاقی است، یک حکم اجتماعی است، یک حکم سیاسی است**

فضائل اخلاقی پایمال خواهد شد. بنابراین، انسان با تقوا و مقید به رعایت اخلاق باید از دخالت در سیاست جداً اجتناب کند.

نظر دوم - تبعیت اخلاق از سیاست

در توجیه این نظر گفته می‌شود؛ ارزش‌ها و ضد ارزش‌های اخلاقی، امور اعتباری هستند نه حقیقی. در خوبی یا بدی یک عمل باید به نتیجه آن نگریست، اگر انسان را در رسیدن به هدف کمک می‌کند باید گفت خوب و ارزشمند است، هر چه باشد ! و اگر از رسیدن به هدف مانع می‌شود باید گفت بد است. بنابراین گفته می‌شود: هدف یک سیاست مدار حفظ قدرت و تامین مصالح و منافع شهروندان است، هر عملی که حاکمان را در رسیدن بدین هدف کمک می‌کند نه تنها مجاز بلکه یک امر اخلاقی و ارزشمند است، پس اخلاق همواره باید تابع سیاست باشد، مارکسیست‌ها این عقیده را می‌پسندند و در عمل ملتزم بدان بوده و هستند.

نظر سوم - تفکیک اخلاق فردی و عقیدتی از اخلاق سیاسی و اجتماعی

گفته‌اند اخلاق عقیدتی و فردی مطلق و التزام به

***امام خمینی: اگر من یک خلافی کردم همه‌تان هجوم آورید که چرا این کار را می‌کنی من بر جایم می‌نشینم همه‌تان مسئولید همه‌مان مسئولیم**

آن وظیفه همگانی است، از عقیده نشات می‌گیرد و بر معیارهای اخلاقی سنجیده می‌شود. ولی اخلاق اجتماعی و سیاسی تابع مصالح و منافع ملی است و رعایت آن از وظایف و مسئولیت‌های حتمی حکمرانان و مسئولان سیاسی است. حتی اگر رعایت آن مستلزم ارتکاب اخلاق عقیدتی و فردی باشد. گفته اند: دروغ و فریب و خلف وعده کار زشتی است، همه باید از آن اجتناب کنند، شهروندان نباید این عمل زشت را انجام دهند ولی در صورتی که مصالح کشور اقتضا کند حاکمان در ارتکاب این خلاف‌های اخلاقی مجاز هستند، بلکه با توجه به مسئولیتی که دارند باید آن‌ها را انجام بدهند، و گرنه به کشور و مردم خود خیانت کرده‌اند. بررسی و نقد سه نظر مذکور فرصت بیشتری را می‌طلبد که فعلا در این اوراق کوتاه امکان پذیر نیست، به همین جهت آنها را رها می‌کنیم و به ذکر نظر چهارم که مختار امام خمینی است می‌پردازیم.

نظر چهارم - وحدت اخلاق و سیاست

در این دیدگاه اخلاق و سیاست یک حقیقت هستند. هر دو در راه تامین سعادت انسان‌ها به کار گرفته می‌شوند و ناقض یکدیگر نیستند. اداره کشور و تامین نیازهای مردم خود یک امر اخلاقی و مهمترین وظیفه حاکمان سیاسی و دولتمردان است. چنان که نوع دوستی و خدمت به خلق و اهتمام به امور مردم و رعایت حقوق دیگران در حوزه اخلاق شخصی یک ارزش اخلاقی است، عین همین عمل در عرصه زندگی سیاسی و اجتماعی برای دولتمردان نیز یک ارزش اخلاقی و یک وظیفه وجدانی است. پس ارزش‌ها برای همه کس و همه جا ارزشمند هستند و ضد ارزش‌ها نیز همین گونه هستند. اگر صداقت و یکرنگی برای آحاد مردم یک ارزش اخلاقی است و باید بدان ملتزم باشند همین امر در عرصه سیاستمداری و حکمرانی نیز یک ارزش اخلاقی است و باید بدان پایبند باشند. اگر دروغگویی، فریبکاری، دورویی، کتمان حقیقت، و خودکامگی برای شهروندان زشت و ضد ارزش است برای حاکمان و دولتمردان نیز قبیح و ضد ارزش هستند. ارزش‌ها و ضد ارزش‌های اخلاقی همگانی و عقلانی هستند و دو سیستم اخلاقی نداریم. حاکمان نمی‌توانند در عرصه سیاست خود را به دروغگویی،

***امام خمینی: پیش از انقلاب من خیال می‌کردم وقتی انقلاب پیروز شد افراد صالحی هستند که کارها را طبق اسلام عملی می‌کنند، بعد دیدم خیر اکثرا آن‌ها افراد ناصالحی بودند و دیدم حرفی که زده‌ام درست نبوده است، آمدم صریحاً اعلام کردم من اشتباه کرده‌ام**

فریبکاری، پنهان کاری و خودکامگی مجاز بدانند و در عرصه اجتماع از شهروندان انتظار صداقت، درستکاری و واقع گویی داشته باشند که «الناس علی دین ملوکهم».

اخلاق بهترین پشتوانه حکومت و تقید به آن مهمترین ضامن اجرای قوانین کشور است. به زور تنها، نمی‌توان جامعه را به خوبی اداره کرد. باید قوانین اجتماعی درونی شوند و این امر مهم و حیاتی جز با نشر و ترویج اخلاقیات و التزام عملی مسئولان نظام، در رده‌های مختلف امکان پذیر نیست. بنابراین، جدا کردن سیاست از اخلاق یک اشتباه است و ما دو گونه اخلاق نداریم. اگر به کتب اخلاق مانند اخلاق ناصری نوشته خواجه نصیرالدین طوسی، تهذیب الاخلاق نوشته احمد بن محمد بن یعقوب رازی، کیمیای سعادت نوشته محمد غزالی، جامع‌السعادات نوشته محمد مهدی نراقی و... مراجعه کنید، می‌بینید که سیاست را به عنوان بخشی از اخلاق مطرح ساخته‌اند. امام خمینی نیز به وحدت سیاست و اخلاق و عدم انفکاک آنها عقیده داشت. او یک استاد علم اخلاق بود، اخلاق تدریس می‌کرد و کتاب اخلاق می‌نوشت و خود نیز ملتزم به رعایت اخلاق بود. احساس وظیفه شرعی و اخلاقی بود که او را وارد صحنه سیاست کرد.

بعد از پیروزی انقلاب در سخنرانی‌ها و ملاقات‌های خود همواره از مسائل اخلاقی سخن می‌گفت. عقیده داشت ترویج و گسترش اخلاق نیک و مبارزه جدی با مفاسد اخلاقی باید جزء برنامه‌های رسمی حکومت اسلامی باشد. بارها به مسئولان نظام تذکر می‌داد که باید در عمل ملتزم به رعایت اخلاق نیک و اجتناب از اخلاق زشت باشند تا مردم عادی از آنان الگو بگیرند. در یکی از سخنرانی‌هایش فرمود: «اسلام احکام اخلاقیش هم سیاسی است. همین

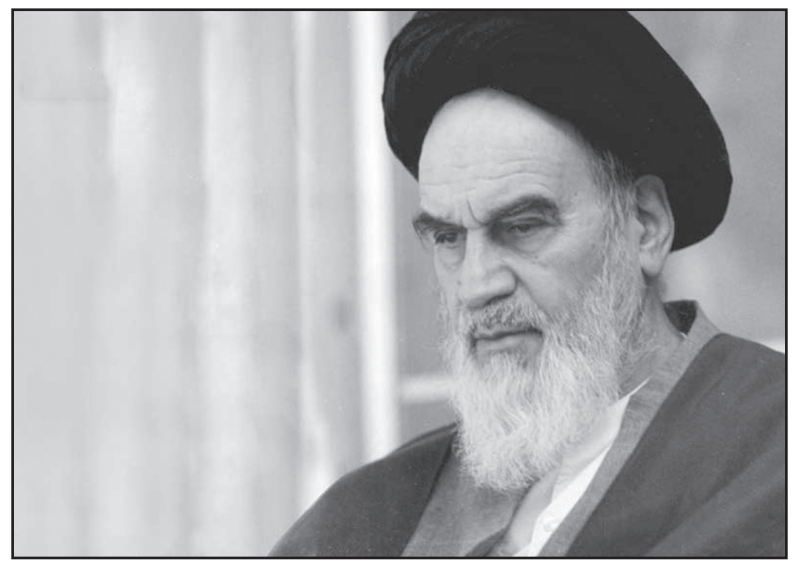

حکمی که در قرآن هست که مؤمنین برادر هستند این یک حکم اخلاقی است، یک حکم اجتماعی است، یک حکم سیاسی است.» (صحیفه امام، ج۱۳، ص۱۳۰) در جای دیگر فرمود: «شما با رفتار اسلامی و با حفظ نهضت و با پیشبرد نهضت و توجه به این که خدای تبارک و تعالی ما را تأیید می‌کند، با رفتار و اخلاق اسلامی این قدرتی را که شما را به پیروزی رسانده است حفظ کنید.» (صحفیه امام، ج۱۳، ص۱۴۲)

امام خمینی با توجه به وحدت سیاسی و اخلاق برای ادامه نهضت و موفقیت در اداره کشور، بارها وبارها مسئولان سیاسی، اجتماعی کشور را در رده‌های مختلف مورد خطاب قرار داده و با توصیه‌های اخلاقی مناسب، رهنمودهای لازم را در اختیارشان قرار می‌داد. اگر توصیه‌های ارزشمند او جمع‌آوری شود می‌تواند به عنوان اخلاق کارگزاران مورد استفاده قرار گیرد. ما در این جا به عنوان نمونه به دو موضوع مهم اشاره می‌کنیم.

***امام خمینی: اگر قبلاً اشتباه کرده باشیم صریحاً باید بگوییم اشتباه نموده ایم. و عدول در بین فقهاء از فتوایی به فتوای دیگر درست همین معنا را دارد. فقهای شورای نگهبان و اعضای شورای عالی قضایی هم باید این طور باشند، اگر در مسأله‌ای اشتباه کردند صریحا بگویند اشتباه کردیم و حرف خود را پس بگیرند. ما که معصوم نیستیم**

اول صداقت؛ امام کارگزاران نظام را در رده‌های مختلف، خدمتگزاران مردم می‌دانست، از اموال عمومی ارتزاق می‌کنند باید در خدمت مردم باشند. باید با مردم صادقانه برخورد کنند و رو راست باشند. آن گونه که هستند همان گونه خود را نشان بدهند. از فریبکاری و وعده‌های توخالی جداً اجتناب کنند. اگر جایی اشتباه یا کوتاهی داشتند، به جای پرده پوشی و توجیهات غلط شجاعانه به اشتباه خود اعتراف کنند و در صدد جبران برآیند، و اگر در انجام وظائف احساس ناتوانی کردند صادقانه استعفا دهند و پست خود را به دیگری بسپارند. در این رابطه امام سخنان فراوانی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. در جایی فرمود: «پس اگر قبلاً اشتباه کرده باشیم صریحاً باید بگوییم اشتباه نموده‌ایم. و عدول در بین فقهاء از فتوایی به فتوای دیگر درست همین معنا را دارد. فقهای شورای نگهبان و اعضای شورای عالی قضایی هم باید این طور باشند، اگر در مسأله‌ای اشتباه کردند صریحا بگویند اشتباه کردیم و حرف خود را پس بگیرند. ما که معصوم نیستیم. پیش از انقلاب من خیال می‌کردم وقتی انقلاب پیروز شد افراد صالحی هستند که کارها را طبق اسلام عملی می‌کنند، بعد دیدم خیر اکثرا آن‌ها افراد ناصالحی بودند و دیدم حرفی که زده‌ام درست نبوده است، آمدم صریحاً اعلام کردم من اشتباه کرده‌ام.» (صحیفه امام، ج۱۸، ص۲۴۱). در جای دیگر فرموده: «اگر یک چیزی را دیدید که واقعاً خلاف کردید اعتراف کنید، این اعتراف شما را در نظر ملت‌ها بزرگ می‌کند، نه این که اعتراف به خطا شما را کوچک می‌کند، پایبند بودن به خطا انسان را خیلی منحط می‌کند.» (صحیفه امام، ج۱۴، ص۹۳). در جای دیگر فرموده: «ای متصدیان و دولتمردان، از رده به اصطلاح بالا تا پایین به هوش باشد که در دو راهی سعادت و شقاوت قرار دارید، طریق اعوجاجی، شیطان است و طریق مستقیم، الله تبارک و تعالی. توجه کنید و بسیار توجه، که همه و همه در محضر مبارک حق هستید. و اعمال قلبیه و قالبیه و خاطرات روحیه و لغزش‌های عملیه هم در حضور اوست، اگر به واسطه سوءمدیریت و ضعف فکر و عمل شما به اسلام و مسلمین ضرری و خللی واقع شود و خود می‌دانید و به تصدی ادامه می‌دهید مرتکب گناه عظیمی و کبیره مهلکی شده اید، که عذاب بزرگ دامنگیرتان خواهد شد، هر یک در هر مقام احساس ضعف در خود می‌کند، چه ضعف مدیریت و چه ضعف اراده از مقاومت در راه هواهای نفسانی، بدون جوسازی، دلاورانه و با سرافرازی نزد صالحانی از مقام خود استعفا کند که این، عمل صالح و عبادت است.» (صحیفه امام، ج۱۹، ص۱۵۷).

دوم انتقادپذیری؛ انتقاد در فرهنگ اسلام یک ارزش و گاهی یک تکلیف است، امام صادق علیه‌السلام در حدیثی فرمود: «بهترین برادران من کسی است که تذکر عیوبم را به من هدیه کند.» (میزان‌الحکمه، ج۳، ص۲۲۰۷). انتقاد سازنده به انسان کمک می‌کند تا عیوب خود را بر طرف سازد، اگر طالب کمال هستیم باید از انتقاد استقبال کنیم و از ان پند بگیریم. ولی در عرف ما انتقاد کار زشتی به شمار می‌رود، می‌کوشیم از کسی مخصوصا قدرتمندان انتقاد نکنیم مبادا رنجیده خاطر گردند و منافعمان در خطر قرار گیرد. دوست نداریم کسی از ما انتقاد کند و اگر کسی عیوب و نواقص ما را تذکر داد، به جای تشکر، می‌رنجیم و او را قدر ناشناس، حسود، بی‌ادب، دشمن، به حساب می‌آوریم. با این که انتقاد در عرصه سیاست یک امر ضروری است. و بهترین وسیله است برای شناخت نقاط ضعف و منفی و اصلاح آنها ولی متأسفانه شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی و مسئولان سازمان‌ها و نهادها جداً از آن گریزانند، و این عمل مفید و سازنده را حمله به شخصت خود به حساب می‌آورند و درصدد انتقام بر می‌آیند. این اشتباه بزرگی است که امام خمینی همواره بدان اشاره می‌کرد. در جایی فرموده: «هیچ کس و هیچ دستگاهی و هیچ فردی نمی‌تواند ادعا کند که من نقص، هیچ ندارم، اگر کسی ادعا کرد این را این بزرگترین نقصش همین ادعاست. کسی نیست که بتواند بگوید که من بی‌عیب هستم، بی‌عیب ما نداریم در دنیا، و ما باید همیشه توجهمان به آن عیوب خودمان باشد.» (صحیفه امام، ج۱۷، ص۲۴۶). در جای دیگر فرمود: «انسان اگر بخواهد برای خدا کار بکند و به مقام انسانیت برسد باید

***امام خمینی: اگر یک چیزی را دیدید که واقعاً خلاف کردید اعتراف کنید، این اعتراف شما را در نظر ملت‌ها بزرگ می‌کند، نه این که اعتراف به خطا شما را کوچک می‌کند، پایبند بودن به خطا انسان را خیلی منحط می‌کند**

همیشه دنبال این باشد که ببیند که چه عیبی دارد برای این که دنبال این که چه عیبی دارد می‌شود که انسان درصدد رفع او برآید. و دنبال این که چه حسنی دارد پرده می‌شود در چشم انسان و نمی‌تواند عیوب خودش را ببیند.» (صحیفه امام، ج۱۷، ص۲۴۶).

امام خمینی بر این باور بود که مردم حق انتقاد دارند و باید در مواقع لازم از مسئولان انتقاد کنند و تذکر بدهند تا اگر اشتباه دارند در صدد اصلاح خود برآیند، مسئولان و کارگزاران نیز باید انتقاد پذیر باشند. در جایی فرمود: «انتقاد باید بشود، تا انتقاد نشود اصلاح نمی‌شود یک جامعه، عیب هم در همین جا هست. سر تا پای انسان عیب است و باید این عیب‌ها را گفت، انتقادات را کرد، برای این که اصلاح بشود جامعه.» (صحیفه امام، ج۱۴، ص۴۰۱). در جای دیگر فرمود: «اگرمن یک خلافی کردم همه‌تان هجوم آورید که چرا این کار را می‌کنی من بر جایم می‌نشینم همه‌تان مسئولید همه‌مان مسئولیم.» (صحیفه امام، ج۸، ص۵۱۲).

از این سخنان امام و ده‌ها نمونه دیگر چند مطلب مهم و آموزده استفاده می‌شود.

۱ - بهترین سیاست و موفق‌ترین شیوه اداره کشور برخورد صادقانه و شفاف با مردم است. مسئولان و کارگزاران نظام وظیفه دارند در سخنرانی‌ها، گزارش‌ها،ارائه آمار، مقدار موفقیت‌ها و ضعفها، مشکلات و راه حل‌ها، درآمدهای دولت و مصارف، بدون پنهان کاری و مصلحت اندیشی، شهروندان را در جریان امور قرار دهند و از آنان استمداد جویند.

***امام خمینی: اگر به واسطه سوءمدیریت و ضعف فکر و عمل شما به اسلام و مسلمین ضرری و خللی واقع شود و خود می‌دانید و به تصدی ادامه می‌دهید مرتکب گناه عظیمی و کبیره مهلکی شده اید، که عذاب بزرگ دامنگیرتان خواهد شد**

۲ - انتقادپذیری مسئولان نظام بهترین شیوه کشورداری و مردم سالاری دینی است.

۳ - مسئولان و کارگزاران نظام چون خدمتگزار مردم هستند، و مانند سایر انسان‌ها از خطا و اشتباه معصوم نیستند، باید خود را برای انتقادات آماده سازند، نه تنها از انتقاد نرنجند بلکه انتقاد و انتقادکننده را با آغوش باز بپذیرند و به سخن ویا نوشته او خوب توجه کنند، اگر صحیح بود صادقانه آن را بپذیرند و از توجیهات غلط و اشتباه کاری جدا اجتناب نمایند و اگر صحیح نبود مودبانه او را به اشتباهش آگاه سازند.

۴ - مردم وظیفه دارند مراقب کردار و رفتار کارگزاران خود باشند. از افراد مخلص و خدمتگزار، وظیفه‌شناس، کاردان و دلسوز تقدیر و تشکر نمایند. و اگر خطا یا اشتباهی را از بعض کارگزاران مشاهده کردند مودبانه و بدون جو سازی به او تذکر دهند، و چنانچه در خلاف کاری خود اصرار می‌ورزند، مراتب را به مسئولان مربوطه گزارش دهند و تا حصول نتیجه در پی گیری آن جدی باشند ولی

***امام خمینی: هیچ کس و هیچ دستگاهی و هیچ فردی نمی‌تواند ادعا کند که من نقص، هیچ ندارم، اگر کسی ادعا کرد این را این بزرگترین نقصش همین ادعاست. کسی نیست که بتواند بگوید که من بی‌عیب هستم، بی‌عیب ما نداریم در دنیا، و ما باید همیشه توجهمان به آن عیوب خودمان باشد**

به هر حال انتقادها باید خیرخواهانه و دلسوزانه و مودبانه، آگاهانه و حساب شده باشد، نه مغرضانه و بی‌ادبانه. هم شهروندان و هم کارگزاران باید تقوا و ادب اسلامی را رعایت کنند.

منبع - پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله امینی

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای علی پندونه اصالتاً با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی که گواهی امضای شهود آن طی شماره ۴۲۲۳۳ مورخ ۱۴۰۱/۷/۱۶ بشماره شناسه ۱۴۰۱۰۲۱۵۲۵۲۷۰۰۱۱۹۹ - ۱۴۰۱۰۲۱۵۲۵۲۷۰۰۱۱۹۸ دفتر اسناد رسمی ۸۷۶ تهران ثبت گردیده است مدعی است سند مالکیت شش‌دانگ دستگاه آپارتمان واقع در جنوبغربی طبقه سوم بمساحت ۵۱/۱۴ مترمربع قطعه دوازدهم تفکیکی بشماره ۷۶۳۲۰ فرعی از ۸۸ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۰۶۰۷ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش یازده تهران بانضمام شش‌دانگ یک واحد پارکینگ بمساحت ۱۰/۸ مترمربع قطعه چهارم تفکیکی واقع در طبقه زیرزمین و شش‌دانگ یک باب انباری بمساحت ۳/۴۲ مترمربع قطعه ۱۳ تفکیکی واقع در طبقه همکف ذیل ثبت ۳۸۲۳۹۴ صفحه ۲۰۸ دفتر ۲۳۹ بنام منصور معلمی ثبت و بشماره چاپی ۰۷۵۴۸۲۱ صادر و تسلیم گردیده سپس مع‌الواسطه بموجب سند شماره ۹۷۶۸۸ مورخه ۹۴/۸/۱۳ دفترخانه ۳۳۸ تهران به آقای علی پندونه فرزند عبداله شماره شناسنامه ۱۵۳ تاریخ تولد ۱۳۴۱/۱۲/۱۰ صادره از اهواز دارای شماره ملی ۱۷۵۶۶۳۹۱۷۵ منتقل شده است سپس بعلت ارسال از دفترخانه جهت صدور سند تک‌برگی مفقود گردیده است لذا مراتب باستناد ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت و یا در اختیار داشتن سند مالکیت نزد خود می‌باشد ظرف مدت ۱۰ روز از انتشار این آگهی به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت اقدام نماید بدیهی است در این صورت پس از تنظیم صورت‌مجلس اصل سند مالکیت به ارائه‌کننده مسترد خواهد شد و صدور المثنی سند مالکیت منوط به ارائه دادنامه از مراجع ذیصلاح قضایی خواهد بود و پس از انقضاء مدت مذکور و عدم هرگونه اعتراض این منطقه نسبت به صدور المثنی سند مالکیت اقدام خواهد نمود.

م الف ۱۳۵۱۸

رضا النچری ـ رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تهرانپارس از طرف رضا سعیدی

آگهی عدم تسلیم سند مالکیت مورث پلاک ثبتی۴۴۷۶.۵۱۵۷۹ واقع در بخش ۷ تهران

نظر به درخواست سند مالکیت خانمها و آقایان ستایش سادات و سیدمحسن و سیدکاظم و سیده‌صفیه حسینی باستناد دادنامه حصر وراثت شماره ۱۱۵۵ مورخ ۷۷/۰۸/۱۳ شعبه ۷۱۰ دادگاه عمومی تهران و گواهی واریز مالیات بر ارث شماره ۱۴۸۲/۳۸۰۴۴ مورخ ۷۷/۰۹/۱۷ اداره کل مالیاتی شرق تهران که اذعان نموده مالک ۳ دانگ مشاع از ۶ دانگ پلاک ثبتی ۴۴۷۶/۵۱۵۷۹ به نام آقای عبدمناف حسینی فوت نموده است و وراث حین‌الفوت آنها عبارتند از: سیدهاشم و سیدکاظم و سیدابوالقاسم و سیدمحسن و اعظم‌السادات و اقدس‌السادات همگی بشهرت حسینی (فرزندان) و صفیه حسینی (همسر) متوفی می‌باشند به شرح وارده مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۱۱ درخواست صدور سند مالکیت نسبت به سهم‌الارث موکل خود از ۳ دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین که ششدانگ مورد ثبت بمساحت ۲۲۱/۹۰ مترمربع قطعه ۷ تفکیکی به پلاک ثبتی شماره ۵۱۵۷۹ فرعی از ۴۴۷۶ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۷۵۸۷ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۷ تهران ذیل ثبت شماره ۱۷۳۲۹۳ صفحه ۹۷ دفتر جلد ۱۰۹۷ بشماره چاپی ۲۹۹۳۳۰ بنام اسمعیل تیرئی لایرود ثبت و صادر و تسلیم شده است سپس بموجب سند انتقال شماره ۷۷۷۴۷ مورخ ۵۰/۰۱/۲۳ دفتر یک تهران تمامی مورد ثبت به عبدمناف حسینی منتقل و متعاقب آن بموجب سند صلح شماره ۱۳۷۲۹۴ مورخ ۶۶/۰۸/۲۳ دفتر ۱۴۷ تهران مقدار ۳ دانگ مشاع از ششدانگ مورد ثبت به خانم صفیه حسینی صلح گردیده است. که آقای عبدمناف حسینی مالک ۳ دانگ مشاع از ششدانگ مورد ثبت بشرح دادنامه فوق فوت نموده است که برابر اعلام متقاضیان اصل سند مالکیت فوق‌الذکر نزد احدی از ورثه به نام سیدابوالقاسم حسینی می‌باشد که از ارائه آن خودداری می‌نمایند همچنین نسبت به سهمی اعظم‌السادات حسینی سند مالکیت بشماره چاپی ۱۲۵۱۹۱ ثبت و صادر گردیده است. لذا حسب دستور تبصره سه از ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت طی اخطار حسن‌نیت طی شماره ۱۰۴۳۰۲۰۷۸۷-۱۴۰۱ مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۳۰ در تاریخ ۱۴۰۱/۰۷/۰۲ به نامبرده ابلاغ که اصل سند مالکیت مرقوم را جهت اقدام لازم قانونی به این اداره ارائه نمایند که نامبرده از چنین اقدامی خودداری نموده علیهذا با انقضاء مهلت ۱۰ روز مقرر قانونی در اخطاریه مراتب فقط یک بار در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار (همین روزنامه) منتشر می‌شود تا چنانچه دارنده یا دارندگان سند مالکیت پلاک مرقوم بدون مجوز قانونی حداکثر ظرف مهلت ۱۰ روز پس از انتشار این آگهی سند مالکیت را به این اداره تسلیم ننمایند سند مالکیت نسبت به سهم‌الارث متقاضیان بالا صادر و به وی تسلیم و متعاقباً نیز سایر اقدامات لازم مطابق ماده قانونی فوق‌الذکر انجام خواهد شد.

م الف ۱۳۵۲۰

علیرضا محسنی ـ کفیل واحد ثبتی حوزه ثبت ملک پیروزی تهران از طرف مهدی نایب‌زاده

آگهی انتخاب نمایندگان کارفرمایان در هیأت حل اختلاف شهرستان گرمی

بدینوسیله از کلیه کارفرمایان کارگاههای مشمول قانون کار مستقر در حوزه شهرستان گرمی به شرط احراز شرایط عضویت، جهت اعلام داوطلبی نمایندگی کار فرمایان در هیأت حل اختلاف شهرستان گرمی دعوت به عمل می‌آید تا در صورت تمایل حداکثر ظرف مدت ۱۵ روز از زمان درج این آگهی درخواست کتبی خود را به همراه مدارک مبنی بر اثبات کارفرمایی به اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان گرمی تحویل نمایند.

شرایط عضویت و دامنه شمول مطابق آئین‌نامه انتخاب اعضای هیأت‌های حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷/۰۹/۰۲ وزیر کار و امور اجتماعی می‌باشد. متقاضیان می‌توانند برای راهنمایی و کسب اطلاعات بیشتر به اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان گرمی واقع محله اسلام‌آباد خیابان شهید فهمیده کوچه اداره کار مراجعه نمایند.

م الف ۲۶ شناسه آگهی ۱۳۹۷۰۰۸

اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان اردبیل

اطلاعیه شرکت تعاونی مسکن کارکنان شرکت پنها (آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده سال ۱۴۰۱ نوبت اول)

بدینوسیله از کلیه اعضا محترم شرکت تعاونی مسکن کارکنان شرکت پشتیبانی و نوسازی هلیکوپترهای ایران(پنها) دعوت بعمل می آید به منظور شرکت در جلسه مجمع عمومی که در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۱۱ راس ساعت ۱۴:۰۰ در محل سالن اجتماعات سرای محله آپادانا واقع در: تهران ابتدای جاده مخصوص-شهرک آپادانا-فاز ۴-انتهای کوی نرگس-سرای محله شهرک آپادانا تشکیل خواهد شد حضور بهم رسانند.

نکته: چنانچه حضور عضوی در مجمع میسر نباشد، می تواند حق حضور و اعمال رای خود را به عضو دیگری واگذار نماید که در این صورت هر عضو نمایندگی حداکثر سه عضو و هر غیر عضو نمایندگی تنها یک عضو را می تواند پذیرا باشد.

دستور جلسه: ۱ -تصویب و تمدید و تطبیق اساسنامه با قانون و اصلاحیه آن

رئیس هیئت مدیره تعاونی مسکن پنها حسینعلی خلج

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ۱۳ آئین‌نامه تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آرای صادره هیأت حل اختلاف قانون مذکور مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دورود بشرح ذیل: رسیدگی و تأیید و انشاء گردید. مراتب در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی دو نوبت به فاصله ۱۵ روز جهت اطلاع مالکین و سایر صاحبان حقوق در روزنامه کثیرالانتشار و محلی آگهی انتشار و علاوه بر آن در روستاها الصاق تا چنانچه اشخاص نسبت به مورد تقاضا اعتراض دارند از تاریخ نشر اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دورود تسلیم دارند و برابر مقررات معترض مکلف است ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به مراجع قضائی ذیصلاح اقدام و گواهی تقدیم دادخواست تحویل ثبت اسناد نماید و ادامه عملیات ثبتی موکول به ارائه حکم نهائی می‌باشد در غیراینصورت متقاضی با ارائه گواهی عدم تقدیم دادخواست و پس از انقضای مدت مذکور و یا عدم وصول اعتراض سند مالکیت مورد تقاضا براساس مدلول رأی وفق مقررات صادر خواهد شد در هر حال صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به مراجع قضائی نخواهد بود.

پرونده کلاسه ۱۴۰۱۱۱۴۴۲۵۰۰۵۰۰۰۴۲ و رأی شماره ۱۴۰۱۶۰۳۲۵۰۰۵۰۰۰۱۰۴۷ مورخه: ۱۴۰۱/۰۷/۰۹ به تقاضای آقای: رضا لشنی فرزند: حجت‌اله نسبت به ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت: ۱۹۵/۵- مترمربع مفروز و مجزا شده از ۱- فرعی از پلاک ۱۱۸- اصلی واقع در بخش ۴ شهرستان دورود.

خروجی از مالکیت: حسینعلی کرنوکر فرزند ولی

انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۷/۳۰ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۸/۱۴

م الف ۳۴۴

مصطفی امان‌اله بهاروندی ـ رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دورود